کیهان

رفاه
شرکت فروشگاه‌های زنجیره‌ای

گزارش کیهان از واگذاری سؤال برانگیز فروشگاه رفاه

همه چیز از یک خبر ساده شروع شد. حوالی غروب روز بیست و سوم فروردین ماه سال ۱۳۹۶ رسانه‌ها خبری منتشر کردند با این عنوان؛ «فروشگاه رفاه به فروش رسید». اما همه چیز به سادگی این خبر نبود. پیش‌تر نیز در بهمن و اسفند ۱۳۹۵ نزدیک به ۲۰ درصد از سهام رفاه فروش رفته بود. اما این بار با واگذاری نزدیک به ۴۲ درصدی سهام رفاه مالکیت این فروشگاه زنجیره‌ای عوض می‌شد.

اولین سؤال‌ها از قیمت واگذاری این مجموعه در افکار عمومی شکل گرفت. فروشگاه رفاه که بخشی از سهامش در زمستان ۱۳۹۵ با حدود ۱۴۵ میلیارد تومان به صورت اقساط به فروش رفته بود در واگذاری جدید ۴۲ درصد سهامش تقریبا به قیمت ۳۲۰ میلیارد تومان به فروش رسیده بود. این تازه‌ترین ماجرای یکی از قدیمی‌ترین فروشگاه‌های زنجیره‌ای تأسیس شده در جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آمد. فروشگاهی که ایده تأسیس آن پس از سفر مرحوم هاشمی‌رفسنجانی به اروپا و آمریکا در ابتدای دهه ۱۳۵۰ شکل گرفت و ۱۷ سال پس از انقلاب اسلامی ایران در دولت کارگزاران متولد شد.

تخفیف۹۰ درصدی در فروش «رفاه»

رفاه در طول ۲۳ سال فعالیتش با همه حاشیه‌ها گسترش یافت، آنچنان که توانست ۲۲۵ فروشگاه قطعی در ۲۹ استان کشور دایر کند. این موارد فارغ از املاک و مستغلاتی است که با کاربری‌های دیگر نظیر دامداری، اداری و... تحت تملک مجموعه رفاه قرار دارد. سرمایه فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه با ۲۲۵ شعبه و گردش مالی سالانه هزار میلیارد تومان و نزدیک به چهار هزار پرسنل بیش از پنج هزار میلیارد تومان تخمین زده می‌شد و حالا به این سرمایه قابل توجه که در طول سال‌ها توسط مردم ایجاد شده و به رشد و بلوغ رسیده بود یکباره چوب حراج زده شد و بیش از ۶۰ درصد سهامش تنها با ۴۶۵ میلیارد تومان آن هم به صورت اقساط فروش رفت یعنی چیزی حدود ۹۰ درصد تخفیف در معامله!

اولین توجیه قیمت‌گذاری پر حاشیه

رقم پایین فروش سهام رفاه حساسیت رسانه‌ها را هم برانگیخت و خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری مختلف به تهیه گزارش و مصاحبه از این اتفاق پرداختند. پاسخ‌ها اما چندان صریح نبود. برخی مسئولان رفاه در حالی خبر از رضایت و خواست برخی سهامداران و اعضای هیئت‌مدیره مبنی بر فروش سهام رفاه با این قیمت پایین می‌دادند که با توجه به تعلق این سهام به نهادهای عمومی و حکومتی، آنها اجازه چنین اقدامی را نداشتند. سؤالاتی هم در نحوه کارشناسی بورس برای این سهام وجود داشت که البته بی‌پاسخ می‌ماند. تنها در یک مورد کارشناسان بانک ملی ایران به عنوان بزرگترین سهامدار مجموعه رفاه حداقل قیمت کارشناسی شده بلوک مدیریتی فروشگاه رفاه را سه هزار و ۳۰۰ تومان محاسبه کردند یعنی دو برابر قیمت معامله شده رفاه در بورس، قیمتی که بعد از چهار روز رقابت با افزایش ۷۰ درصدی به هزار و ۶۵۰ تومان رسیده بود. وقتی ابهام‌ها در قیمت واگذاری بالا گرفت مدیرعامل فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه به میدان آمد. « فرشید. گ. ک» به تارنمای خبری دانا گفت: «بانک مرکزی ابلاغ کرده و سازمان بورس نیز قواعدی دارد برای اینکه سهام شرکت‌ها را واگذار کند. ما نیز تابع این قوانین هستیم و موضوع سهام فراتر از اختیارات من است. [...] بانک‌ها سهامداران اصلی رفاه هستند و آنها هستند که می‌خواهند سهام خود را بفروشند. هر کسی هم الان می‌تواند این سهام‌ها را خریداری کند.» با این تعبیر، او نقش خود را به عنوان مجری گوش به فرمان تصمیمات هیئت‌مدیره فروکاسته بود اما با توجه به ارتباطات او در قبل و بعد از واگذاری به نظر می‌رسید ماجرا جور دیگریست!

کوچ اقتصادی از ستاد انتخاباتی به هیئت‌مدیره رفاه

« فرشید. گ. ک» از خرداد ۷۶ سر از عالم سیاست درآورد و ارتباطات رفاقتی و خانوادگی سکوی پرشی برای او شد، آن قدر که توانست مشاور رسانه‌ای «محمدرضا عارف» در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ باشد. پس از انتصاب مدیر عامل بانک ملی ایران در ابتدای دولت حسن روحانی، برخی اعضای ستاد انتخاباتی نامزد انصراف داده اصلاح‌طلبان توانستند راهی هیئت‌مدیره فروشگاه رفاه شوند. ابتدا «فرهاد. ز» و سپس « فرشید. گ. ک» از جمله کسانی بودند که در کوچی اقتصادی از ستاد انتخاباتی عارف به فروشگاه رفاه روانه شدند. کوچی هدفمند که به نظر می‌رسید با توجه به حضور «فرشید. گ. ک» به عنوان عضو مؤسس و عضو هیئت‌مدیره در «بنیاد امید ایرانیان»، پشتوانه‌ای اقتصادی برای این تشکیلات سیاسی قلمداد شود.

اما بهت و حیرت کارکنان رفاه وقتی بیشتر شد که با حکم مدیرعامل بانک ملی در فروردین ۱۳۹۳ « فرشید. گ. ک» ابتدا به عنوان رئیس‌هیئت‌مدیره و تنها چند ماه بعد بدون سابقه قابل ذکری در امور اجرایی به عنوان مدیرعامل فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه معرفی شد. اتفاقاتی که نشان می‌داد انتخاب او نه از روی شایستگی‌های فردی که نتیجه وابستگی به جریان‌های سیاسی بوده است. نام « فرشید. گ. ک» وقتی بیشتر بر سر زبان‌ها افتاد که فیش حقوق ماهانه ۲۴ میلیون تومانی او توسط رسانه‌ها منتشر شد آن هم درست در زمانی که رفاه متعلق به اموال عمومی بوده و یک نهاد دولتی محسوب می‌شد. با این حساب هر سال مدیریت او برای رفاه چیزی در حدود ۲۹۰ میلیون تومان آب می‌خورد.

چهره‌سازی صدا وسیما از آقای مدیرعامل

در کنار تبلیغات گسترده فروشگاه‌های رفاه در صدا و سیمای جمهوری اسلامی، سهم قابل توجهی از آنتن رسانه ملی به شخص « فرشید. گ. ک» اختصاص داشت؛ از برنامه‌های پر مخاطب در شبکه‌های سراسری گرفته تا برنامه‌های متعدد در شبکه‌های استانی. در همه این برنامه‌ها او در قامت یک متخصص ظاهر شده و ضمن تشریح برنامه‌های رفاه به تجزیه و تحلیل بازار ایران و فرصت‌های آن می‌پرداخت. یک بار وقتی «رضا رشیدپور» او را به برنامه صبح‌گاهی «حالا خورشید» دعوت کرد و از او تصویر یک کارآفرین جوان را ارائه داد آن قدر آش شور شد که صدای نمایندگان مجلس و هیئت نظارت بر صدا و سیما هم در آمد. «احسان قاضی‌زاده هاشمی»- نماینده این هیئت - ضمن انتقاد از این فرآیند در رسانه ملی خبر از بررسی این موضوع در هیئت نظارت بر سازمان صدا و سیما داد. رسانه ملی به محلی برای تعریف و تمجید از مدیرعامل رفاه تبدیل شده بود. انگار رفاه رسانه ملی را هم خریده بود.

گلایه هیئت‌مدیره از بی‌کفایتی مدیرعامل «رفاه»

علیرغم همه این تبلیغات، « فرشید. گ. ک» از کفایت و کارآمدی لازم بی‌بهره بود. مدیر کثیرالسفر رفاه که دائم بین ایران و انگلستان در رفت و آمد بود صدای اعضای هیئت‌مدیره رفاه را هم درآورد. آنها طی نامه‌ای در ۱۹ مهر ۱۳۹۳ به مدیرعامل وقت بانک ملی و نماینده بانک‌های سهامدار در هیئت‌مدیره رفاه نوشتند:«متأسفانه مدیرعامل محترم بدون اطلاع هیئت‌مدیره و حراست مجموعه و همچنین بدون اخذ مرخصی جهت مسافرت خارج از کشور (انگلیس) چند روزی است که در محل کار خود حضور ندارد. ضمناً از تاریخ ۹۳/۴/۹ که طبق مصوبه هیئت‌مدیره در شرکت موظف گردیده‌اند نیز تا کنون یک چهارم از مدت مذکور را در سفرهای خارج از کشور گذرانده‌اند که این عدم حضور و نظارت کافی ممکن است موجب بروز ضرر و زیان و سوءاستفاده‌های مالی در شرکت گردد.»

رابطه « فرشید. گ. ک» با مدیرعامل بانک ملی آن قدر قوی بود که از محتوای نامه مذکور و امضاکنندگان آن با خبر شود، چند روز بعد به محل کار برگشت و با حکمی که در دست داشت در اولین جلسه هیئت‌مدیره، اخراج همه کسانی را که در تهیه نامه نقش داشتند از رفاه ابلاغ کرد.

آغاز کاهش شدید سوددهی یک شرکت پربازده

دلواپسی هیئت‌مدیره رفاه اما چندان بی‌مورد نبود. از زمان حضور « فرشید. گ. ک» سود فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه تقریبا نصف شده بود. فروشگاهی که در سال مالی منتهی به ۳۰ مهر ۹۲ (پیش از ریاست « فرشید. گ. ک») با حدود ۲۹ میلیارد تومان سود به عنوان یکی از پربازده‌ترین شرکت‌های کشور شناخته می‌شد، در سال مالی منتهی به ۳۰ مهر ۱۳۹۳ (پس از ریاست « فرشید. گ. ک») تنها ۱۷ میلیارد تومان سود کرد. این روند کاهشی در سال بعد نیز ادامه داشت و در حسابرسی منتهی به ۳۰ مهر ۹۴، رفاه نتوانست بیش از ۱۵ میلیارد تومان سود حاصل کند. با این حساب در طول دو سال مدیریت جدید این مجموعه، بازدهی فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه حدود ۵۰ درصد افت کرده بود. در سال مالی منتهی به ۳۰ مهر ۹۵ وضع حتی از این هم وخیم‌تر بود آنقدر که مسئولان رفاه تنها دو هفته مانده به انتهای سال مالی تصمیم گرفتند عجولانه ملک تجاری فروشگاه آزادی را بفروشند تا درآمد حاصل از آن را در فهرست سود فروشگاه قرار دهند.

زیان‌ده کردن هدفمند؟!

حالا شاید اولین سؤالی که به ذهن می‌رسید این بود: آیا می‌توان این اقدامات را نوعی زیان‌دهی هدفمند برای فروش زیر قیمت سهام شرکت فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه دانست؟ به ویژه آنکه کمتر از یک سال بعد فرآیند واگذاری فروشگاه‌های رفاه به دست « فرشید. گ. ک» آغاز شد. فرآیندی که در سه مرحله طی سه ماه طول کشید و توسط او نیز به اتمام رسید. نکته جالب توجه این بود؛ « فرشید. گ. ک» از سوی هر دو طرف ماجرا یعنی فروشنده و خریدار سهام به عنوان مدیرعامل انتخاب شد و در سمت خود باقی ماند. اتفاقی که با توجه به تغییر مالکیت شرکت و تغییر سیاست‌ها کمی عجیب به نظر می‌رسید. حالا دیگر دو شرکت «سپهر نوید آفرین» و «بازتاب سهام توس» صاحبان اکثریت سهام فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه به حساب می‌آمدند. « فرشید. گ. ک» در دوره جدید بیش از یک سال در سمت خود باقی ماند و تیر ماه ۱۳۹۷ در حالی که قسمتی از کتاب شازده کوچولو را برای حاضران در جلسه تودیع می‌خواند از مدیریت رفاه کنار کشید و استعفا داد.

نان به رنج دیگران خوردن

شرکت «سپهر نوید آفرین» در اسناد منتشر شده توسط روزنامه رسمی کشور متعلق به خانواده «الف» است. خانواده‌ای که بیشتر از نام خانوادگی‌شان با نام تجاری «آوازه» شناخته می‌شوند. «برنج آوازه» محصولی است که خانواده« الف» آن را حاصل سه نسل کسب و کار خانوادگی خود در عرصه برنج می‌دانند اما نام تجاری «آوازه» قصه دیگری هم دارد. قصه‌ای که شاید به ارتباط قدیمی این خانواده با خاندان «محسن. ص. چ» در بازار برنج برگردد و البته همکاری مشترک‌شان در انجمن وارد کنندگان برنج. در واقع نام «آوازه» تا همین چند سال پیش در اختیار «شرکت یکتا نگین ایرانیان» متعلق به «محسن. ص» قرار داشت. آنها اندکی بعد امتیاز «آوازه» را به شرکت «آتیه فروز سبحان» واگذار کردند شرکتی که از قضا در آن هم سابقه شراکت خانواده «الف» با خانواده «محسن. ص» به چشم می‌خورد. ارتباط «محسن. ص» با «الف» بر کسی پوشیده نبود. ارتباطی که برخی اخبار غیررسمی مبنی بر مدیریت پنهان «محسن. ص» بر مجموعه رفاه را بیش از پیش تقویت می‌کند. «محسن. ص» با بیش از ۱۷۰ میلیارد تومان بدهی معوقه تنها به بانک سرمایه از ابربدهکاران بانکی به حساب می‌آید. خانواده «محسن. ص» پیش از آنکه به ابربدهکاری شناخته شود همچون« الف» با تبلیغات «برنج محسن» معروف شد. شرکتی که تا مدت‌ها به اسم برنج ایرانی، برنج‌های هندی و پاکستانی را وارد می‌کرد و در بازار داخل به فروش می‌رساند. «برنج محسن» در شهریور ۸۹ از سوی وزارت بازرگانی به عنوان یکی از ۱۷۰ کالای بی‌کیفیت وارداتی شناخته و مدتی بعد تبلیغات دامنه‌دارش در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ممنوع شد. با این اوضاع کوچک‌ترین ردی از «محسن.ص» در واگذاری ۲۰ درصدی سهام فروشگاه‌های رفاه به «سپهر نوید آفرین» یک رسوایی محسوب می‌شد. «سپهر نوید آفرین» توانست در بهمن ۱۳۹۵، ده درصد سهام رفاه را از بانک ملت و یک ماه بعد در اسفند ۱۳۹۵، ۹/۴۷ درصد سهام این فروشگاه را از بانک تجارت جمعا با مبلغ تقریبا ۱۴۵ میلیارد تومان خریداری کند. با همکاری « فرشید. گ. ک» یک معامله شیرین رقم خورده بود. فروشگاهی که طی سال‌ها با اموال مردم و زحمت کارکنانش توسعه و گسترش یافته بود حالا ۲۰ درصد سهامش تنها به قیمت ۱۴۵ میلیارد تومان به جریانی خاص از وارد کنندگان برنج واگذار می‌شد. اتفاق جالب اما یک سال بعد در تیرماه ۱۳۹۷ افتاد، درست همان زمانی که « فرشید. گ. ک» پیش از خداحافظی با مجموعه رفاه مشغول خواندن قسمتی از کتاب شازده کوچولو بود تنها با دو صندلی فاصله در کنار او نماینده خاندان «محسن ص. چ» نشسته بود. با این حساب دیگر نقش مدیریتی این ابربدهکار بانکی در مجموعه رفاه قابل کتمان نبود.

می‌گویند «برنج» را «بَرنج» هم می‌خوانند که حاکی از رنج شالیکاران در کاشت و برداشت محصول‌شان است. در مورد فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه اما انگار همه چیز برعکس بود. مردم رنج توسعه رفاه را کشیدند ولی محصول‌شان را بردند! یکی از بدسابقه‌ترین واردکنندگان برنج باز هم نان به رنج دیگران خورد.

از وزارت راه تا فروشگاه رفاه

پای دیگر معامله رفاه شرکت خصوصی دیگری بود با عنوان «بازتاب سهام توس». این مجموعه خصوصی از شرکت‌های متعددی تشکیل شده بود که نشان می‌داد باید «بازتاب سهام توس» را زیرمجموعه‌ای از «گروه مالی صدر پارس» بدانیم. شرکت‌های تشکیل‌دهنده «بازتاب سهام توس» همگی همان شرکت‌های تشکیل‌دهنده «شرکت عمران و توسعه صدر پارس» بودند که بعدها به «گروه مالی صدر پارس» معروف شدند. «گروه مالی صدر پارس» با وزارت « عباس آخوندی» در دولت یازدهم و دوازدهم بیش از پیش شناخته شد. وقتی رسانه‌ها نام شرکت‌های منتسب به آقای وزیر، دوستان و آقازاده‌هایش را منتشر کردند نام «گروه مالی صدر پارس» هم به چشم می‌خورد. در این گروه مالی می‌شود تقریبا فهرست کاملی از اطرافیان «آخوندی» در وزارت راه و شهرسازی را دید. از «حسین. ع. ت» به عنوان مشاور وزیر گرفته تا «محمد مهدی. آ» به عنوان بستگان و «اصغر ف. ک» در قامت معاون وزیر سابق. به این فهرست می‌توان نام «بابک. ج» با سابقه عضویت در هیئت‌مدیره بانک آینده و «هاشم. ب» یکی دیگر از مشاوران وزیر راه وقت را هم اضافه کرد.

یک اتفاق عجیب و مشکوک

اما نکته جالب نه حضور دوستان و آشنایان « عباس آخوندی» در «بازتاب سهام توس» بلکه اتفاقی بود که در اولین روزهای سال ۱۳۹۶ افتاد. درست در همان ایامی که کار واگذاری ۲۰ درصدی سهام رفاه به «سپهر نوید آفرین» تازه به اتمام رسیده بود و در حالی که اعضای هیئت‌مدیره «بازتاب سهام توس» آبان ۹۵ به مدت دوسال تا آبان ۹۷ انتخاب شده بودند تغییراتی ناگهانی اتفاق افتاد که طی آن با تعویض اعضای هیئت‌مدیره نامی آشنا به این اعضا اضافه شد؛ « الف» شریک قدیمی «محسن.ص» حالا به عنوان نماینده یکی از شرکت‌های زیر مجموعه «گروه مالی صدر پارس» به اعضای هیئت‌مدیره «بازتاب سهام توس» پیوسته بود. این اتفاق تقریبا یک ماه پس از آن صورت گرفت که «بازتاب سهام توس» خرید ۴۲ درصدی سهام رفاه را با ترکیب هیئت‌مدیره قبلی و البته با نام «دانایان پارس» قطعی کرده بود. انگار همه چیز از پیش هماهنگ شده بود تا در نهایت با خارج شدن همه شرکت‌های زیر مجموعه «گروه مالی صدر پارس»،« الف» و دوستانش گرداننده بلامنازع این شرکت باشند. با این حساب اتفاق خارق‌العاده‌ای را می‌توان نتیجه گرفت. شرکت فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه در پوشش دو شرکت کاغذی به یک گروه واگذار شده بود. واگذاری ۴۲ درصدی سهام رفاه اگرچه در قالبی رقابتی شکل گرفت اما این رقابت هرگز چهره‌ای واقعی نداشت چون در اتفاقی قابل تأمل از میان چهار شرکت متقاضی، دو خریدار از رقابت کنار کشیدند و انصراف دادند. در ادامه این واگذاری رسانه‌ها در حالی خبر از رقابت شدید «شرکت صنایع غذایی آوازه» و «دانایان پارس» (از شرکت‌های تابعه بازتاب سهام توس) دادند که این رقابت کاملا صوری به نظر می‌رسد چرا که اندکی بعد مشخص شد این دو مجموعه در اختیار یک نفر قرار گرفته است.

حاصل یک مدیریت سیاسی و جناحی

اکنون در سایه مدیریت غیرمسئولانه « فرشید. گ. ک» که مدیریتش حاصل یک تصمیم جناحی بود، رفاه از مردم گرفته و با قیمتی نازل به گروهی واگذار شده است که با عدم شفافیت و سابقه تأسیس شرکت‌های صوری و کاغذی نشان داده‌اند کفایت لازم برای مدیریت این مجموعه را ندارند. حالا هزاران کارمند مجموعه رفاه در سراسر کشور دلواپس آینده شغلی خود در یکی از قدیمی‌ترین فروشگاه‌های زنجیره‌ای کشور هستند که در مدیریت جدید سال به سال بر ارقام ضرر و زیانش اضافه می‌شود.

آینده مبهم «رفاه»

قصه پر غصه رفاه همچنان بعد از واگذاری نیز ادامه دارد. تأسیس شرکت‌های متعدد با سرمایه رفاه و با مشارکت برخی اعضای هیئت‌مدیره فعلی به عنوان عضو حقیقی می‌تواند آینده‌ای نگران‌کننده را نوید دهد. شرکت‌هایی نظیر «فدک یاس اسپادانا» که خانواده« الف» در پوشش شرکتی ثبت شده در هند آن را با سرمایه رفاه تشکیل دادند. جالب اینکه پس از انتشار فهرست دریافت کنندگان ارز دولتی مشخص شد این شرکت دو تابعیتی(!) با دریافت بیش از ۱۶ میلیون یورو در میان ۶ شرکتی که بیشترین دریافت ارز دولتی را داشته‌اند، قرار دارد.. شرکتی که به نظر می‌رسد در نقش یک واسطه برای تهیه کالاهای فروشگاه رفاه عمل می‌کند. فروشگاهی که فلسفه وجودی آن حذف واسطه و خرده‌فروشی به قیمت مبدأ بود حالا خود درگیر واسطه بازی شده، آن هم واسطه‌ای که خودش از اعضای هیئت‌مدیره رفاه است.« الف» در زیرکی دست کمی از شریک قدیمی‌اش «محسن . ص» ندارد که همزمان در نقش خریدار و فروشنده برای مجموعه رفاه فعالیت می‌کند! شرکت‌های مشابه دیگری نظیر «نگین رفاه آپادانا» و یا «فروشگاه‌های زنجیره‌ای آروین» و «فروشگاه‌های زنجیره‌ای روژ هوم سنتر» و... نیز وجود دارند. شرکت‌هایی که اطلاعات مالی آنها در دست نیست و در گزارش سال ۱۳۹۶ سازمان حسابرسی از مجموعه رفاه نیز عدم ارائه اطلاعات مربوط به این شرکت‌ها در کنار عدم ارائه مدارک ارزشیابی دیگر به سازمان حسابرسی به مراتب قید شده است.

السلام علیک یا ابا صالح المهدی ادرکنی
حسینیه شهدای مدافع حرم

چه کسانی سنگر جوانان انقلابی را هدف قرار داده اند؟

تخریب پر ابهام

سازه یک هیئت فعال فرهنگی و مذهبی

بیش از ۴۰ روز پیش بود که مسئولان یکی از هیئت‌های قدیمی و بزرگ شهرری در تماس با کیهان خبر از اتفاقی دادند که باعث تعجب و حیرت بود. خبر این بود؛ «عده‌ای شبانه با لباس نظامی و اسلحه با یورش به آستان شیخ صدوق(ابن بابویه)(ره) با خاموش کردن برق مجموعه و قطع دوربین‌های موجود پس از آنکه نگهبانان مستقر در محوطه آستان را درون اتاقکی حبس کرده‌اند، اقدام به تخریب سازه‌های حسینیه شهدای مدافع حرم وابسته به هیئت محبان المهدی(عج) نموده‌اند.»

مسئول این هیئت در گفت‌وگو با خبرنگار کیهان در توضیح بیشتر ماجرا گفت: ۲۲ سال از تاسیس هیئت محبان المهدی(عج) در جوار مقبره عارف کامل و زاهد خداجو مرحوم شیخ رجبعلی نکوگویان(خیاط) که در قسمت غربی آستان محدث والامقام شیخ صدوق(ره) قرار دارد می‌گذرد. این هیئت که در ابتدا با عده‌ای از جوانان ولایی و مذهبی شهرری راه‌اندازی شد، در سال‌های بعد و تاکنون با برپایی یکی از باشکوهترین مراسمات دعای ندبه در صبح‌های جمعه پذیرای جمعیتی بیش از ۵۰۰ نفر از مشتاقان اهل بیت (ع) از جوانان و پیران گرفته تا زنان و خانواده‌هایی است که همه آنها از اقشار مومن و انقلابی شهر مذهبی ری هستند. این هیئت سال‌هاست که با دعوت از وعاظ و کارشناسان خبره و نامی کشور در زمینه علوم و معارف اسلامی تبدیل به پایگاهی مستحکم در جذب و معرفت بخشی جوانان و خانواده‌ها شده است. ویژگی این هیئت این است که محوریت برنامه‌ها استفاده از منبرهای پرمحتوا و به روز و کاربردی در جهت اهداف والای انقلاب اسلامی و تحقق رهنمودهای رهبر معظم انقلاب می‌باشد.

سیدحیدر موسوی درباره سازه و بنای تخریب شده این هیئت هم گفت: در سال‌های گذشته در زمان برگزاری دعا و برنامه‌ها از چادرهای برزنتی موقت استفاده می‌شد که این چادرها بعد از مراسم جمع‌آوری می‌شد تا مزاحمتی برای تردد احتمالی نداشته باشد. پس از آن در سال‌های اخیر با استقبال زیاد مردم و کمک خیرین سازه هیئت بهسازی شد به صورتی که سقفی برای این قسمت تعبیه و از کرکره‌های برقی برای دیواره حسینیه استفاده شد که پس از برگزاری مراسمات کرکره‌ها بالا برده می‌شد تا در طول هفته خللی در رفت و آمد مردم ایجاد نشود یعنی همه اقدامات با صرف هزینه‌های هنگفت که از سوی کمک‌های مردمی و خیرین تامین شد و ریالی از آن از سوی هیچ ارگان یا سازمان دولتی و غیردولتی نبوده است در نظر گرفته شد تا وجود این سازه هیچ مزاحمتی برای مراجعان به این آستان مبارک نداشته باشد.

وی با اشاره به اینکه دارای حکم رسمی از سوی تولیت وقت آستان شیخ صدوق در سال‌های گذشته برای مدیریت مقبره شیخ رجبعلی خیاط می‌باشد، از تعامل این هیئت با مسئولان و متولیان اوقاف و آستان مبارک شیخ صدوق در همه سال‌های گذشته خبر داد.

موسوی درباره ماجرای تخریب سازه هیئت اظهار داشت: صبح ۲۸ آبان ماه امسال بود که به ما خبر دادند در یک اقدام مشکوک با یورش شبانه عده‌ای که لباس نظامی و اسلحه داشتند و محبوس کردن نگهبانان در یکی از اتاقک‌های آستان و به کارگیری بیش از ۲۰نفر کارگر و برشکار سازه هیئت شهدای مدافع حرم تخریب شده است.

وی افزود: طبق گزارشی که توسط پلیس ۱۱۰ از نگهبانان مقبره در محل تهیه شده است این اقدام ۲۷ آبانماه امسال ساعت ۲۱:۴۵ آغاز و تا ۵ بامداد ادامه داشته است که طی آن علاوه‌بر تخریب کامل سازه آهنی به مساحت تقریبی ۴۰۰ متر مربع تجهیزات متعلق به این هیئت از قبیل تعداد ۱۱ عدد کرکره برقی بزرگ و تعداد ۴ عدد بخاری گازی هیتر ۱۴۰ - تعداد دو عدد کولر سلولوزی صنعتی بزرگ و تعداد پنج عدد باند اکو بزرگ و تمام سیستم روشنائی - تعداد ۹ عدد پنکه سقفی به طور کامل تخریب شده است. شاید در نگاه اول احتمال انجام این اقدام عجیب به نیت سرقت سازه‌ها و تجهیزات به ذهن می‌رسید اما با بررسی انجام شده مشخص شد که هیچ سرقتی انجام نگرفته است.

تخریب با هدف مبهم

نکته عجیب اینکه وقتی سرقتی صورت نگرفته است پس چه فرد یا افرادی از این تخریب هولناک سود می‌برده‌اند یا دنبال تخریب آن بوده‌اند؟

موضوعی که در صحبت‌های حیدر موسوی جلب توجه می‌کند، این است که وی معتقد است پیگیری‌ها حکایت از آن دارد که گویا مسئولان اوقاف شهرری و تولیت آستان شیخ صدوق که در ماه‌های اخیر منصوب شده‌اند بی‌ارتباط به این ماجرا نیستند.

البته وی به یک طرح شکایت حقوقی از سوی مسئولان وقت اوقاف در سال ۸۸اشاره کرد و گفت در آن سال با توجه به فعالیت‌های مثبت و مورد تأیید هیئت محبان المهدی(عج) که مسئولان و علما و بزرگان شهرری هم بر آن صحه گذاشتند با دخالت مسئولان و علما و بزرگان موضوع شکایت لغو و توافقنامه‌ای به امضای ریاست وقت اوقاف ری، ریاست سازمان تبلیغات اسلامی ری، رئیس شورای هیئت های مذهبی ری و بنده از طرف هیئت رسید که هرگونه تصمیم درباره این هیئت و مجموعه با نظر طرفین صورت پذیرد. از آن سال تا کنون هم بدون هیچ مشکلی و با هماهنگی کامل با مسئولان اوقاف و آستان فعالیت‌های فرهنگی مذهبی این هیئت ادامه‌داشته است.

موسوی ادامه داد: اما این حرمت‌شکنی مکان مقدس و مذهبی و حسینیه‌ای که مزین به نام شهدای مدافع حرم و شهید مدافع این هیئت شهید علی امرایی و اسائه ادب به حرمت امام زمان علیه‌السلام است باعث برهم خوردن احساسات مذهبی مردم مطلع از واقعه و تألم خاطر خانواده معزز شهدا، جامعه محترم روحانیت و قشر مذهبی و متدینین و اقشار حزب‌اللهی و هیئت‌های مذهبی شهر شده و بازتاب بسیار نامناسبی در سطح جامعه داشته بصورتی که تعداد زیادی از آنها در اجتماعی بزرگ در محل خرابه‌های حسینیه با امضای طوماری خواستار رسیدگی فوری مقامات قضایی و امنیتی و انتظامی و نظامی در این مورد بسیار حساس شده‌اند.

بی‌میلی اوقاف نسبت به پیگیری ماجرا!

اما از آنجا که مسئول این هیئت و حسینیه و برخی افراد دیگر در تحقیق میدانی خبرنگار کیهان انگشت اتهام را به سوی اوقاف شهری و متولی آستان شیخ صدوق می‌گرفتند، برای پیگیری موضوع با مسئول آستان شیخ صدوق که این اتفاق در حوزه مسئولیت وی رخ داده تماس گرفتیم که وی به طرز عجیبی از هرگونه توضیح خودداری کرد و پاسخ سؤالات ما را به مسئول اوقاف شهرری ارجاع داد، حال آنکه وقتی مسئولی متولی یک مجموعه‌ای باشد باید پاسخگوی اتفاقات در آن مکان هم باشد.

پس از آن در گفت‌وگوی ما با حجت‌الاسلام صادقی رئیس‌اوقاف شهرری بی‌میلی وی از پیگیری ماجرا بیش از هر چیز دیگری به چشم می‌آمد. صادقی که مصاحبه نکردن متولی آستان شیخ صدوق در این باره را تصمیم و ابلاغ خود اعلام کرد، پیش از هر چیز بی‌توجه به حساسیت‌های برانگیخته شده پس از وقوع حادثه مذکور همه چی را عادی و برطرف شده توصیف می‌کرد. وی پس از اصرار خبرنگار کیهان برای روشن شدن ابعاد ماجرا خبر از پیگیری می‌داد.

در تماس‌های بعدی ما باز هم ایشان خواستار این بود که این ماجرا رسانه‌ای نشود و برای نگارنده نیز عجیب بود که مگر نه اینکه اوقاف به عنوان متولی بقاع متبرکه باید با جدیت پیگیر حوادث رخ داده در آنها باشد پس چرا ایشان تمایلی به باز کردن موضوع نداشت. صادقی نه حرف و حدیث‌های مطرح شده مبنی بر اینکه اوقاف مسئول تخریب این سازه بوده است را تأیید می‌کرد و نه تمایل به دنبال کردن ماجرا داشت، تا جایی که معتقد بود کاری است که شده است و شاید در این تخریب و ماجرا خیریتی است و حال باید بعد از این به کارهای دیگر پرداخت.

نا گفته نماند اخیرا رواق بزرگی در جوار مقبره شیخ صدوق ساخته شده است که مسئولان اوقاف تمایل زیادی دارند مراسمات در آن برگزار شود و شاید یکی از دلایلی که برخی اوقاف را عامل تخریب سازه هیئت می‌دانند این باشد که با تخریب این هیئت، رواق ساخته شده رونق بگیرد، از جمله در هفته‌های اخیر اقدام به برگزاری مراسمات دعای ندبه در رواق جدید کرده‌اند، که البته هیچ اشکالی به این کار وارد نیست، اما در این زمینه مسئول هیئت محبان المهدی(عج) معتقد است که نباید برای رونق دادن به جایی، جای دیگری که مورد استقبال مردم و پرورش‌دهنده شهدای مدافع حرم بوده است را تخریب کرد. ما هیچ وقت با برگزاری مراسمات دیگر مشکلی نداشته ایم.البته تا مشخص شدن کامل ابعاد این حادثه حضور هیئت ما در رواق تازه ساز معنی ندارد.

رئیس‌اوقاف شهرری در لابلای گفت‌وگوی مفصل ما با وی در جایی از غیر قانونی بودن استقرار این هیئت و حسینیه گفت و بدون اینکه مسئولیت این حادثه را بر عهده بگیرد ضمن رد کردن نقش اوقاف در این ماجرا اعلام کرد که اگر کاری صورت گرفته (یعنی تخریب سازه هیئت) حتما روال قانونی را طی کرده است! البته مسئول هیئت مذکور هر گونه ابلاغ و صدور حکم قانونی را رد کرد و گفت اگر ابلاغ و حکمی وجود داشت و به دست ما می‌رسید اعتراضی به آن نداشتیم.

اما در ادامه کیهان بدون اینکه قصد صدور حکم و تعیین مقصر را داشته باشد صرفا برای روشن شدن این ماجرای عجیب بررسی ابعاد دیگر آن را در پیش گرفت.

با توجه به حساسیت‌های ایجاد شده و شیوه عجیب تخریب حسینیه مدافعان حرم و اطلاع ما از تشکیل پرونده در پلیس امنیت شهری و دادسرا، پیگیر ماجرا از مسئولان پلیس امنیت و دادستانی شهرری شدیم که آنها نیز به دلایل خاص از ارائه توضیحات و اطلاعات بیشتر در مورد نتیجه تحقیقات خودداری کردند که البته ایرادی نمی‌توان به این موضوع گرفت.

چند سؤال و نکته مهم

اما در این میان با تأمل در این ماجرای پرابهام چند نکته و سؤال مهم مطرح می‌شود که پاسخ دقیق و توجه مسئولان امر به آنها را می‌طلبد.

۱.با گذشت بیش از ۴۰ روز از وقوع این حادثه ابعاد اصلی این ماجرا همچنان مبهم است و توقع می‌رود در موضوعی به این اهمیت که در سطح یک شهر مذهبی حساسیت برانگیز شده است، پلیس و دستگاه قضائی با سرعت و قاطعیت بیشتر ابهامات موجود را برطرف کنند.

۲. با توجه به ابعاد خاص و امنیتی نحوه اجرای عملیات تخریب و حضور عاملان حادثه با لباس نظامی و اینکه به گفته مسئول این هیئت تاکنون هیچ کدام از نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی شهرری دخالت در این ماجرا را تایید نکرده‌اند، باید هرچه سریعتر مشخص شود که چه کسانی به خود اجازه داده‌اند با استفاده از پوشش نیروهای نظامی کشور و ایجاد جو بدبینی و ضدامنیتی در بین مردم مذهبی شهرری دست به چنین کاری بزنند؟

۳. اگر ابعاد مخفی این حادثه روشن نشود و فردا روزی مشابه چنین حادثه‌ای در جای دیگری رخ دهد چه کسی مسئولیت آنرا به عهده می‌گیرد؟

۴. آیا رسیدگی به این موضوع و رسیدن به اصل ماجرا تا این حد زمان بر است؟ نمی‌توان اهمیت و لزوم داشتن سرعت و دقت در رسیدگی به چنین پرونده‌هایی را منکر شد.

۵. در مورد نسبت دادن این ماجرا به مسئولان اوقاف شهرری، ضمن اینکه کیهان قصد پیش داوری ندارد و طی چند مرحله برای شنیدن توضیحات آنها با مسئول مربوطه گفت‌وگو داشته است، که البته خیلی واضح و قانع‌کننده نبوده است باید گفت اینکه اوقاف شهرری به عنوان متولی اصلی اماکن مذهبی و مدافع اصلی مراسمات و هیئت‌ها تمایلی به پیگیری این اتفاق ندارد هم جای سؤال دارد.

۶. پاسخ به اینکه آیا به راستی مسئول اوقاف شهرری و متولی آستان شیخ صدوق نقشی در تخریب سازه یک هیئت قدیمی و معتبر دارند برای دفاع از جایگاه و شأن سازمان محترم اوقاف و امور خیریه که دارای کارنامه درخشان در زمینه امور فرهنگی و مدیریت موقوفه‌ها و همچنین اجرای برنامه‌های فرهنگی و مذهبی مناسب در بقاع متبرکه سراسر کشور است واجب و ضروری است.آیا مسئولان ارشد سازمان اوقاف در جریان این اتفاق و حساسیت‌های بعدی آن هستند؟ آیا سکوت و ندادن توضیح مناسب بر ابهامات نمی‌افزاید؟

۷. اینکه عده‌ای جوان مذهبی و ولایی ۲۲ سال پرچم یک حرکت معنوی و فرهنگی موثر را در این وانفسای تهاجم فرهنگی دشمن و وجود مشکلات فرهنگی و اقتصادی در سطح کشور به دوش می‌کشند جای تقدیر و تجلیل دارد نه اینکه آشیانه و سنگر فرهنگی آنها بر سرشان خراب شود، بنابراین باید هرچه سریعتر مشخص شود چه کسانی با این اقدام مشکوک سعی در ایجاد اخلال در یک حرکت جهادی موثر و آتش به اختیار را داشته‌اند؟ البته برگزاری منظم مراسمات معمول این مجموعه در محل خرابه‌های این حسینیه آن هم در سرما و باد و باران نشان از عزم جزم ادامه مسیر در این خاکریز فرهنگی از سوی آنان است.

۸. حتی اگر با همه تلاشی که مسئولان این هیئت برای ایجاد نشدن مزاحمت حین برگزاری مراسم و پس از آن برای سایر مردم و مراجعه کنندگان به آستان شیخ صدوق داشته‌اند، حکمی یا ابلاغی برای جمع‌آوری این سازه که جز برای ذکر دعا و کسب معارف اهل بیت استفاده دیگری نداشته است از سوی اوقاف یا سایر ارگان‌ها صادر شده است (که اگر چنین باشد جای تعجب دارد)، چرا هیچ اطلاعی به مسئولان و اعضای این هیئت داده نشده است و آیا اجرای یک حکم قضائی یا سازمانی(در صورت وجود) در نیمه شب و با این روش مشکوک صورت می‌گیرد؟

۹. بر فرض وجود چنین حکمی چرا هیچ ارگان یا سازمانی مسئولیت آن را بر عهده نمی‌گیرد؟ اگر حکمی قانونی و با طی کردن مراحل لازم صادر شده باشد چه کسی توان یا قصد ایستادگی در مقابل آن را دارد، آن هم جوانان مذهبی و فعالان فرهنگی که دل در گرو ولایت داشته و پاسدار حریم قانون هستند.

۱۰. در روزهای پس از تخریب این سازه هیئت‌های مختلف تهران و شهرری با نصب پلاکارد اعتراض خود را به آن نشان دادند اما باید مشخص شود که چه کسانی مسئول پائین آوردن و تخریب بنرها و پلاکاردهای اعتراضی هستند؟ چه کسی تصویر شهید مدافع حرم علی امرایی شهید منسوب به این هیئت را با رفتار اهانت‌آمیز از محل هیئت جدا کرده است؟

۱۱. پیگیری این موضع و به سرانجام رساندن آن می‌تواند مانع بروز وتکرار چنین حرکاتی در تحت فشار قرار دادن مجموعه‌های خود جوش و خادمان فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و انقلابی شود، لذا کیهان ضمن اعلام نداشتن موضع و خودداری از اظهارنظر صریح درباره مقصران احتمالی این حادثه، تا مشخص شدن نهایی ابعاد پنهان این ماجرا پیگیر آن خواهد بود.